

سیاست انرژی روسیه در آسیای مرکزی

الهه کولایی*

آزاده الهمرادی**

چکیده

با افزایش وابستگی جهانی به انرژی و نیز ظهور روسیه به عنوان «برقدرت انرژی» قرن بیست و یکم، مسیرهای انتقال انرژی از جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی به بازارهای اروپایی و آسیایی، بیش از پیش مورد توجه قدرت‌های جهانی قرار گرفته است. انرژی در کانون روند رشد و توسعه اقتصادی روسیه قرار دارد. درآمدی که روسیه از راه صادرات انرژی به دست می‌آورد، موجب نفوذ روزافزون روسیه در سیاست بین‌الملل شده است. اکنون انرژی یکی از عوامل مهم در شکل دادن به روابط خارجی روسیه به شمار می‌رود. روسیه از یک سو برای جبران کمبود تولید خود در منطقه سیبری غربی به گاز آسیای مرکزی نیاز دارد، از سوی دیگر از مسیرهای اصلی انتقال گاز و نفت کشورهای این منطقه است. منابع قابل توجه نفت و گاز آسیای مرکزی می‌تواند در حفظ برتری روسیه در بازار انرژی اوراسیا نقش مهمی داشته باشد. سؤال اصلی این مقاله این است "سرشت و ابزارهای سیاست انرژی روسیه در آسیای مرکزی چیست؟" فرضیه نویسندگان این است که روسیه برای ارتقاء جایگاه خود در نظام بین‌الملل، بازسازی کنترل خود بر بخش انرژی کشورهای آسیای مرکزی را، با استفاده از اهرم انرژی مورد توجه قرار داده است.

واژگان کلیدی

روسیه، آسیای مرکزی، انرژی، امنیت انرژی، ترکمنستان، قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان.

Email: ekolaee@ut.ac.ir

Email: a.alamoradi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۷/۲۰

SID.ir سازمان پژوهش‌های منطقه‌ای دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

تاریخ ارسال: ۸۹/۱۱/۱۵

مقدمه

امنیت انرژی اینک به یکی از مهم‌ترین مفاهیم در روابط بین‌الملل و اقتصاد انرژی تبدیل شده است. امنیت انرژی را می‌توان دسترسی پایدار با قیمت مقرون به صرفه به منابع انرژی تعریف کرد. امنیت انرژی وابستگی فزاینده تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان منابع انرژی و کشورهای در مسیر انتقال آن را به نمایش می‌گذارد. امروزه تأمین امنیت انرژی بیشترین اهمیت را برای همه کشورهای جهان، هم تولیدکنندگان و هم مصرف‌کنندگان دارد. حتی سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه انرژی، جایگزین (متنوع کردن منابع انرژی)، در زیرساخت‌های انرژی (تنوع در مسیرهای حمل و نقل) و نیز افزایش دسترسی به منابع جدید داخلی در تأمین انرژی، از جمله عوامل تأمین امنیت انرژی شناخته می‌شود (International Energy Agency, p.1). در جهان کنونی عرضه انرژی و مسایل مربوط به آن، به زیرساخت اصلی رشد و توسعه همه کشورها در جهان تبدیل شده است (Stringer, 2008, pp.1-3). افزایش یا کاهش بهای انرژی در بازارهای جهانی، آثار فوری بر اقتصاد و سیاست همه کشورهای صادرکننده و مصرف‌کننده نفت و گاز دارد.

Archive of SID

بر همین اساس مسیرهای انتقال انرژی، یافتن بهترین و با صرفه‌ترین راه‌ها، در شکل‌گیری سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی کشورها جایگاه مهمی به دست آورده است (کولایی، ۱۳۸۹، ص ۶۴). تنوع منابع و گوناگونی در دسترسی به انرژی مورد نیاز، به بخش مهمی از مؤلفه‌های سیاست‌های جهانی برای تأمین امنیت انرژی تبدیل شده است. چرچیل گفته بود: "امنیت و اطمینان از تأمین نفت، به تنوع و فقط تنوع در دستیابی به آن وابسته است". او اصل اساسی و بنیادین امنیت انرژی را این‌گونه بیان کرد: "تنوع در عرضه، منابع و مسیرهای دستیابی؛ تنوع در منابع تأمین انرژی یکی از مهم‌ترین تضمین‌های امنیت انرژی است و در واقع نکته مهم و حیاتی تأمین آن است (Stringer, 2008, pp.7-11).

روسیه بازیگری مهم در بازارهای انرژی جهان است که در سال‌های اخیر استفاده از عامل انرژی را برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی خود مورد توجه قرار داده است. روسیه انرژی را یک ابزار سیاسی مهم و به همان اندازه نیروی محرکه توسعه اقتصادی خود می‌داند (Belkin, 2008, pp.11-12). افزایش قیمت نفت سبب فعالیت دوباره روسیه در بخش انرژی شد. این

است، تا تصویر روشنی از سیاست انرژی روسیه در آسیای مرکزی، برتری جویی در حوزه حمل و نقل غرب به شرق آسیای مرکزی و جلوگیری از تلاش‌های قدرت‌های خارجی در ساختن خط لوله‌های خارج از کنترل روسیه بازتاب یافته است (Mankoff, 2009, pp.22-23).

۱- بازارهای جهانی انرژی: امنیت و وابستگی متقابل

مفهوم امنیت انرژی با گذشت زمان دچار تحول شده است. امنیت می‌تواند دسترسی پایدار به منابع انرژی با قیمت‌های مناسب باشد. امنیت انرژی در درازمدت بیشتر به سرمایه‌گذاری برای ذخیره انرژی در جهت توسعه اقتصادی و در کوتاه‌مدت به آمادگی برای تغییرهای ناگهانی در عرضه و تقاضا مربوط است (Pascual, 2008, pp.2-16). امنیت انرژی اطمینان از توانایی کشورها برای دسترسی پایدار به انرژی، توزیع مستمر منابع انرژی و تنوع در عرضه آن است. به این ترتیب منابع انرژی باید دارای تنوع و گوناگونی از نظر جغرافیایی و همچنین مسیرهای متعدد انتقال باشند و جریان نفت و گاز بیشتر از نقاطی تأمین شود که حکومت‌های آنان ثبات پایدار داشته باشند (Policy Statement Energy Security, 2007, p.3). تأمین امنیت انرژی می‌تواند سبب شود دولت‌های بزرگ صنعتی حتی

گرایش برای نفوذ بیشتر روسیه در سراسر آسیای مرکزی، برتری جویی در حوزه حمل و نقل غرب به شرق آسیای مرکزی و جلوگیری از تلاش‌های قدرت‌های خارجی در ساختن خط لوله‌های خارج از کنترل روسیه بازتاب یافته است (Mankoff, 2009, pp.22-23). روسیه سیاست‌های گوناگونی را در جهت تأمین اهداف یادشده در آسیای مرکزی اجرا کرده است، مانند آنکه در سال‌های ۲۰۰۶ - ۲۰۰۵ بهای خرید گاز از کشورهای آسیای مرکزی را افزایش داد. افزایش حجم سرمایه‌گذاری برای نوسازی خط لوله‌های انتقال گاز از آسیای مرکزی به روسیه و افزایش نقش گازپروم در بهره‌برداری از حوزه‌های گازی منطقه هم در این زمینه قابل درک است. سؤال اصلی مقاله این است که "سرت و ابزارهای سیاست انرژی روسیه در آسیای مرکزی چیست؟" فرضیه نویسندگان این است که با توجه به اهمیت روز افزون تأمین امنیت انرژی برای همه کشورهای جهان، "روسیه برای ارتقاء جایگاه خود در نظام بین‌الملل، بازسازی کنترل خود را بر بخش انرژی کشورهای آسیای مرکزی هدف قرار داده است". این نوشتار با استفاده از منابع اینترنتی و مجلات تخصصی، بر اساس روش توصیفی - تحلیلی نوشته شده

Archive of SID

برپایی جنگ را در دایره گزینه‌های خود بگنجانند. اینک یک راهبرد جهانی برای رویارویی با خودداری تولیدکنندگان از عرضه منابع انرژی شکل گرفته است (کولایی، ۱۳۸۷، ص ۵). بنابراین انرژی نقش مهمی در امنیت ملی کشورها دارد و برای تأمین قدرت اقتصادی کشورها حیاتی برآورد شده است. بنابراین امنیت انرژی به یک نیاز اساسی تبدیل شده است که حمایت از زیرساخت‌های عرضه انرژی را نیز دربر می‌گیرد. خطوط لوله انتقال انرژی در حال تبدیل به یک مؤلفه تجارت جهانی و یکپارچگی بیشتر در تجارت جهانی انرژی هستند. در جهانی که وابستگی‌ها در حال افزایش است، امنیت انرژی به این بستگی دارد که کشورها چگونه روابط خود با دیگران را مدیریت کنند. براساس شواهد بسیار، امنیت انرژی یکی از چالش‌های اصلی سیاست خارجی همه کشورها در سال‌های آینده خواهد بود (www.iea.org, 2005, p.3).

موضوع انرژی روی اقتصاد جهانی تأثیر بسیاری گذاشته و سیاست‌های بین‌المللی تحت تأثیر تحول بازار انرژی قرار گرفته است. همه دولت‌ها بر اهمیت شفاف‌سازی، مبادله اطلاعات برای پیش‌بینی بازار و نیز سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز برای بالا بردن

امنیت انرژی تأکید دارند. این رویکرد سبب کاهش نوسان‌های بازار نفت و کمک به ایجاد زمینه‌های بهتر برای سرمایه‌گذاری در کشورهای تولیدکننده می‌شود (Walthe, 2006, p.10). صادرکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی در شبکه‌ای از وابستگی متقابل، نسبت به هر رخدادی که در هر نقطه و در هر زمان در زنجیره عرضه و تقاضا رخ دهد، آسیب‌پذیر هستند. هیچیک از کشورهای جهان در حوزه انرژی استقلال ندارند. در حال حاضر، نفت رایج‌ترین منبع انرژی تجاری است که ۶۰ درصد آن در بازارهای جهانی مبادله می‌شود. براساس برخی برآوردها تا سال ۲۰۳۰، حجم تجارت جهانی نفت دو برابر و تجارت گاز طبیعی سه برابر می‌شود (Barton, 2004, p.35).

۲- تحول در سیاست خارجی

روسیه

موقعیت روسیه پس از سقوط مالی سال ۱۹۹۹، در اواسط سال ۲۰۰۰ به دلیل تحولات بازار انرژی و هوشمندی ولادیمیر پوتین در اقتصاد کلان بهبود یافت. روسیه با استفاده از این فرصت، به‌عنوان یک قدرت بزرگ در صحنه بین‌المللی ظاهر شد (Arbatov, 2009, p.35). پس از فروپاشی اتحاد شوروی، سیاست خارجی فدراسیون

باشد. افزایش نقش روسیه در مسایل بین‌المللی، مسئولیت‌پذیری بیشتر برای پیشرفت جهانی، افزایش دستاوردها و ابزارهای شرکت در اجرای برنامه‌های بین‌المللی از پیامدهای آن بود. در دیدگاه جدید روسیه، تغییرهای اساسی در سیاست جهانی، بر روابط کشورها تأثیر مستقیم داشته است. سازمان ملل متحد که بر روابط بین‌الملل حاکم شده، باید بر فرآیندهای جهانی تأثیر گذاشته و امکان شکل‌گیری یک نظم جهانی عادلانه و دموکراتیک را فراهم آورد. روسیه در پی محکوم کردن تلاش کشورهای برآمد که در پی یکجانبه‌گرایی در امور جهانی هستند^(۱) (Torbakov, 2000, pp.2-3). در این رویکرد جنگ سرد و رویارویی ایدئولوژیک پایان یافته و با تحول‌های جدید در روابط بین‌المللی پس از جنگ سرد و پایان دوران ایدئولوژیک، روسیه به دنبال تقویت موقعیت بین‌المللی خود و افزایش قابل توجه همکاری جهانی است.

عباراتی مانند رقابت و همکاری با غرب به جای استفاده از مفهوم «دشمن» مورد توجه رهبران روسیه قرار گرفت. روسیه در این دوره بر توافق و سازگاری منافع کشورها در نهادهای بین‌المللی، در جهت یافتن راه حل برای دشواری‌های بین‌المللی و برتری

روسیه با فراز و نشیب بسیار همراه شد. یلتسین براساس رویکردی اروآتلاتتیکی، در روابط خود با کشورهای دیگر، میراث مشترک بشری و ارزش‌های عمومی جهانی را به‌عنوان پایه‌های سیاست خارجی روسیه مطرح ساخت (کولای، ۱۳۸۹، صص ۲۹۰-۲۸۷). حضور پوتین در عرصه قدرت روسیه، با دوران تثبیت اقتصادی روسیه پس از بحران ۱۹۹۸ و حتی فراتر از آن، پس از فروپاشی اتحاد شوروی همراه بود. او با عبور از رویکرد اوراسیاگرایانه در سیاست خارجی روسیه، عمل‌گرایی را حاکم ساخت. از جمله عوامل موفقیت پوتین در اداره شرایط دشوار سیاسی- اقتصادی روسیه، افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی بود که سبب شد بدهی‌های خارجی روسیه کاهش یابد و آزاد سازی اقتصادی روسیه با جدیت بیشتر پیگیری شود. مهم‌ترین هدف پوتین در دوران ریاست جمهوری، بازگرداندن موقعیت این کشور به جایگاه پیشین در نظام بین‌الملل بود (Mankoff, 2009, p.1).

در استراتژی سیاست خارجی روسیه، بر ارتقاء نقش و جایگاه آن در جهان تأکید شده است. تحولات بین‌المللی آغاز قرن بیست‌ویکم سبب شد، روسیه در سیاست خارجی خود ارزیابی‌های جدیدی داشته

Archive of SID

توانست سودهای هنگفتی به دست آورد. انرژی به عنوان ابزاری کارآمد برای پیشبرد اهداف این کشور مورد توجه قرار گرفت و موجب ارتقای منافع سیاسی آن در سراسر اوراسیا شد. تجدید حیات روسیه در داخل و در سطح بین‌المللی، بستگی به قیمت‌های بالای انرژی دارد (Legvold, 2008, pp.13-14). مسیره‌های صادراتی گاز روسیه نه تنها جنبه اقتصادی دارد، بلکه به زودی به نیازی سیاسی تبدیل شد (Kupchinsky, 2009, p.25). روسیه به عنوان «برقدرت انرژی» با بهره‌گیری از منابع عظیم نفت و گاز خود، کوشید نقش فعالی را در رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی بازی کند. به این ترتیب روسیه با کنترل تدریجی مسیره‌های انتقال انرژی در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد شوروی، در پی احیای قدرت خود در منطقه وسیع اوراسیا (اروپا-آسیا) برآمده است.

در دوران ریاست جمهوری بوریس یلتسین اولین راهبرد انرژی در مورد جهت‌گیری‌های اصلی سیاست انرژی و بازسازی صنعت سوخت و انرژی فدراسیون روسیه در مه ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۱۰ شکل گرفت. در دوره ریاست جمهوری پوتین، اولین تغییرها در سیاست انرژی روسیه، با انتشار «استراتژی انرژی روسیه تا سال ۲۰۲۰» در

قوانین بین‌المللی در روابط بین کشورها را مد نظر قرار داد. جهت‌گیری در سیاست خارجی از اروپا و آمریکا به سوی آفریقا و آمریکای لاتین و توجه به کشورهای مستقل هم‌سود در اولویت قرار گرفت. نفوذ آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز و نیز گسترش ناتو به سوی حیط خلوت روسیه در جمهوری‌های پیشین شوروی، موجب شد روسیه در پی جلوگیری از نفوذ آمریکا و اروپا برآید. در سند سیاست خارجی روسیه و راهبرد جدید، روسیه باید تلاش می‌کرد نقش موثرتری در خاورمیانه و آفریقا ایفا کند. روسیه در پی افزایش نفوذ خود در نظام بین‌الملل، اولویت‌هایی را برای حفاظت از منافع فردی و پرورش معنوی شهروندان؛ بهبود وضعیت سلامت و معیشت مردم، استفاده از سازوکارهای حاکم بر بازارهای جهانی کالا و خدمات، گوناگونی روابط اقتصادی و وابستگی متقابل کشورها و گسترش رسانه‌های روسی برای تأثیر بر افکار عمومی جهان و تقویت روسیه در بازارهای جهانی را مورد توجه قرار می‌دهد (The Foreign Policy Concept of the Russian Federation, 2008, p.59).

۳- سیاست انرژی روسیه

روسیه با داشتن منابع انرژی فراوان و افزایش بهای انرژی در بازارهای جهانی،

«استراتژی امنیت ملی» را تا سال ۲۰۲۰ طراحی کرد. در این سند، نگرانی‌های اساسی و مفروض‌های مشترک رهبران روسیه در مورد وضعیت جهان و جایگاه روسیه تشریح شده است. این نگرانی‌ها در چارچوب منافع ملی روسیه است، به همین دلیل ذخایر طبیعی و انرژی‌های فسیلی به عنوان ابزاری در سیاست خارجی روسیه در نظر گرفته شده است. ولادیمیر پوتین نخست وزیر روسیه اعلام کرد: منابع انرژی عاملی مهم در خدمت توسعه اقتصادی و ابزاری برای پیاده کردن سیاست‌های داخلی و خارجی روسیه است (Morales, 2009, pp.19-22). به بیان او روسیه می‌خواهد به عنوان تأمین‌کننده منابع خام، نقش اصلی را در بازارهای جهانی بازی کند و به شریکی قابل‌اعتماد و پایدار برای کشورهای اروپایی و جامعه جهانی تبدیل شود (Mastepanov, 2003, p.4). شریکی که در زمستان سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ در تنظیم انتقال گاز از اوکراین، به رهبران این کشور و کشورهای اروپایی نشان داد، در استفاده از این ابزار چقدر مصمم و جدی است. سرمایه اروپا مسکو را از بستن شیرهای انتقال گاز به این کشورها بازداشت.

۲۸ مه ۲۰۰۲ انجام گرفت. این سند که با تغییرهایی در مه ۲۰۰۳ از سوی دولت روسیه تصویب شد، استراتژی انرژی و اهداف مهم روسیه را بیان می‌کند. از این زمان صادرات انرژی به ابزار مهمی در سیاست خارجی روسیه تبدیل شد و انرژی به عنوان یک اهرم سیاسی در رابطه با همه کشورها به کار گرفته شد. در دوره پوتین، بخش انرژی برای پیشبرد منافع ملی روسیه در اختیار دولت بود (Legvold, 2008, pp.13-14) در سند استراتژی انرژی روسیه پیشنهادی پوتین، سه مرحله برای توسعه انرژی روسیه در نظر گرفته شده است:

- از بین بردن آثار بحران اقتصادی بر بخش انرژی،

- بهبود بهره‌وری انرژی (نظام یکپارچه برای تولید، حمل و نقل، توسعه و توزیع گاز طبیعی در شرق دور روسیه و سیبری شرقی)،

- توسعه انرژی‌های جایگزین: اقتصاد روسیه به شدت به صادرات انرژی و مواد خام وابسته است و با بحران مالی جهانی به شدت دچار دشواری‌های بسیار می‌شود (Dmitriev, 2006, pp.121-122).

در ۱۲ مه ۲۰۰۹ دمیتتری مدودیف،

رئیس جمهور روسیه، آخرین برداشت از

۴- دیپلماسی انرژی روسیه

همان گونه که اشاره شد، انرژی به ابزار مهمی برای بازگشت روسیه به صحنه بین‌المللی تبدیل شده است. کنترل دولت بر پروژه‌های خطوط لوله نفت و گاز، ابزاری مؤثر برای نفوذ سیاسی، نظامی و اقتصادی روسیه شده است. به دنبال آن، تولید انرژی در خدمت اهداف سیاست خارجی این کشور درآمده است. دیپلماسی انرژی روسیه در برخی موارد موجب امتیاز گرفتن از کشورهای همسایه شده است. روسیه با حذف یارانه‌ها و بالا بردن قیمت انرژی (گاز طبیعی) برابر با قیمت‌های جهانی، موجب نگرانی بسیاری از کشورهای پیشین اتحاد شوروی شده، زیرا روسیه نگران جهت‌گیری سیاست خارجی این کشورها به سوی غرب و پیوستن این کشورها به ناتو است (Rutland, 2008, pp.15-17). به این ترتیب انرژی به عنصر اصلی دیپلماسی روسیه تبدیل شده است. تحقق اهداف مندرج در استراتژی انرژی روسیه، با حمایت دیپلماتیک از منافع شرکت‌های انرژی این کشور در خارج و گفتگوهای فعال در حوزه انرژی با کشورهای هم‌سود، جامعه اقتصادی اروپا، آسیای شمال شرقی، اتحادیه اروپا، ایالات متحده و سایر

کشورها و سازمان بین‌المللی نیز در همین زمینه تحلیل می‌شود (امینی، ۱۳۸۶، ص ۴). محورهای استراتژی انرژی روسیه عبارت‌اند از:

- پیگیری توافقنامه‌های دوجانبه: روسیه با امضای قراردادهای بلندمدت دوجانبه و چندجانبه با کشورهای اروپایی، سیاست وابسته کردن تقاضا به خود را دنبال می‌کند. مسکو می‌کوشد با اعضای اتحادیه اروپا به جای یک گروه، به شکل جداگانه معامله کند تا بتواند با مشتریان خود با قیمت‌های گوناگون معامله کند.

- کنترل منابع انرژی: روسیه مالکیت کامل یا مشترک منابع، سیستم‌های فروش و توزیع گاز طبیعی را در منطقه دارد و خرید و تملک زیرساخت‌های عمده مانند لوله‌ها، پالایشگاه‌ها، شبکه‌های برق و بنادر را در دستور کار خود قرار داده است (Igor, 2006, p.95).

- استراتژی خط لوله: مسکو با طرح‌های خط لوله که به‌طور مستقیم کشورهای تولیدکننده انرژی در اوراسیای مرکزی را به بازارهای اروپایی وصل می‌کند (مانند باکو-تفلیس-جیحان و خط لوله گاز باکو-ارزروم) مخالفت کرده است. در سال ۲۰۰۳، شرودر و پوتین توافقنامه خط لوله شمال را برای

در روند طبیعی روابط متقابل کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی و خاورمیانه صورت گرفته است. آسیای مرکزی و قفقاز که در عرصه منافع ژئوپلیتیک روسیه قرار گرفته‌اند، دو جزء ژئواستراتژیک این کشور هستند که موجب تحکیم مرزهای جنوبی روسیه می‌شوند. روسیه در شرایط جدید می‌کوشد اگر نتواند تنها قدرت با نفوذ و تعیین‌کننده منطقه باشد، دست کم از قدرت‌های بانفوذ و تأثیرگذار منطقه به شمار آید. ساختارهای داخلی جمهوری‌ها، پیوستگی عرصه انرژی، حمل و نقل و حضور میلیون‌ها روس در کشورهای مستقل همسود مزیت‌هایی است که روس‌ها از آن برخوردار هستند (Woo, 2002, p.97). بررسی روابط روسیه و کشورهای آسیای مرکزی، بیانگر تلاش‌های پیگیر روسیه برای بهره‌گیری از اهرم‌های گوناگون برای حفظ ثبات و آرامش در این جمهوری‌ها و جلوگیری از توسعه نفوذ قدرت‌های دیگر در این جمهوری‌هاست. ایجاد پیمان‌های نظامی مانند پیمان امنیت جمعی^۱ و تشکیل سازمان همکاری شانگهای^۲ از جمله اقدام‌های روسیه برای تأمین امنیت آسیای مرکزی و آثار آن بر امنیت خود بوده

تأمین گاز آلمان امضا کردند. این لوله امنیت انرژی اروپا را بیش از پیش به روسیه وابسته خواهد کرد.

- همگرایی داخلی: دولت روسیه با اعمال کنترل بر بخش نفت و گاز این کشور، از دسترسی شرکت‌های بزرگ انرژی بین‌المللی به بخش انرژی روسیه جلوگیری کرده است. شرکت‌های نفت و گاز مالیات کمتری می‌دهند. در سال ۲۰۰۵ اجازه سرمایه‌گذاری خارجی و ورود متخصصان خارجی در بخش انرژی در روسیه داده شد (Woehre, 2009, pp.12-16).

هدف روسیه در چارچوب آیین سیاست انرژی، بازیابی نقش ابرقدرتی خود در نظام بین‌الملل با استفاده از منابع انرژی است. روسیه در پی آن است که با توسعه زیرساخت‌های صادراتی در قلمرو خود، وابستگی خود را به انتقال انرژی از دیگر کشورها کاهش دهد. هدف استراتژیک روسیه، کنترل صادرات انرژی از کشورهای اوراسیای مرکزی به بازارهای بین‌المللی، برای بازسازی جایگاه ابرقدرتی خود است.

۵- سیاست روسیه در آسیای مرکزی

سیاست خارجی روسیه در سوی

جنوب، چه در گذشته و چه در حال حاضر،

Archive of SID

است (کولایی، ۱۳۸۹، صص ۲۳۲ و ۲۴۱). رهبران روسیه با اشاره به واقعیت‌های جهان پس از جنگ سرد، بر ضرورت تقویت و تحکیم روابط خود و جمهوری‌های پیرامون تأکید می‌کنند. اموال نظامی و تأسیسات دفاعی روسیه، روس تبارهای «خارج نزدیک»، پیوندهای اقتصادی عمیق و گسترده، حساسیت جدی روسیه را نسبت به مسایل مناطق پیرامون خود شدت بخشیده است (Hill, 2004, p.39). روسیه در آسیای مرکزی با مسائل استراتژیک دوجانبه‌ای مواجه است:

- نخست: متحد کردن کشورهای آسیای مرکزی در حوزه سی‌آی‌اس و تبدیل آنها به متحدان نزدیک روسیه،

- دوم: جلوگیری از دسترسی استراتژیک قدرت‌های خارجی به آسیای مرکزی.

خارجی، روسیه را نسبت به مسائل پیرامون خود حساس کرده و ارتباط نزدیک مسائل اقتصادی با ملاحظات سیاسی-امنیتی بر شدت این حساسیت افزوده است.

روسیه، آسیای مرکزی را به عنوان یکی از اولویت‌های مهم سیاست خود در نظر دارد.

مفهوم "خارج نزدیک" و آیین مونروئه روسی به خوبی اهمیت این منطقه را برای روسیه نشان می‌دهد. اسنادی در این رابطه تصویب شده که بر توجه به منافع روسیه، حفظ پایگاه‌های نظامی و حق یک‌جانبه دخالت در امور داخلی کشورهای آسیای مرکزی تأکید کرده است (کرمی، ۱۳۸۳، صص ۱۴۵-۱۴۱). با آغاز به کار ولادیمیر پوتین به عنوان

تمایل برای همگرایی دوباره و احیای روابط اقتصادی از هم‌گسسته، براساس منطق قواعد اقتصادی هم مورد توجه قرار گرفته است. روسیه با درک این الزام و ملاحظات امنیتی-سیاسی خود در آسیای مرکزی، در پی بهره‌گیری از اهرم‌های اقتصادی برآمده است. در مورد اهمیت «خارج نزدیک» در سیاست خارجی و داخلی روسیه تردیدی

رییس جمهور فدراسیون روسیه، مشی سیاست خارجی این کشور در جهت فعال تر کردن جهت گیری به سوی آسیای مرکزی آشکار شد. تاکتیک دیپلماسی روسیه نیز تغییر کرد. روسیه بر توسعه همکاری های دوجانبه با کشورهای منطقه و همگرایی با سرعت و به شیوه های گوناگون با کشورهای منطقه تأکید کرد (Ahrari & Beal, 2004, p.47)

در سند «مفهوم سیاست خارجی» که در سال ۲۰۰۰ به تصویب رسید، دولت های مستقل هم سود در اولویت نخست منطقه ای روسیه قرار گرفتند. در این سند حوزه اصلی سیاست خارجی روسیه، تضمین همکاری های دو و چندجانبه با کشورهای آسیای مرکزی به منظور حفظ امنیت ملی کشور در نظر گرفته شده است (Shen, 2011, p.10). همچنین بر «توسعه روابط حسن همجواری و مشارکت استراتژیک با همه دولت های عضو» تأکید شده است (The Foreign Policy Concept of the Russian Federation, 2002). جمهوری مدودیف، سیاست های پوتین در آسیای مرکزی در دو زمینه زیر تداوم یافت:

- نخست، امنیت که با مجموعه ای از نگرانی ها در افغانستان و بی ثباتی در کشورهای آسیای مرکزی ارتباط دارد.
- دوم، اقتصاد که مهم ترین جنبه آن صادرات گاز و نفت از کشورهای آسیای مرکزی است و روسیه به عنوان مسیر انتقال انرژی برای این کشورها بسیار اهمیت دارد.
کشورهای آسیای مرکزی از نظر جغرافیایی و اقتصادی تحت نفوذ روسیه قرار دارند. روسیه با توجه به پیشینه زیرساخت های اقتصادی در دوران شوروی و وابستگی های ناشی از آن می کوشد این وضعیت را برای خود در منطقه حفظ کند. به همین جهت روسیه هنوز تسهیلاتی برای برخی از کشورها از جمله در ارتباط با انرژی قائل است (Boonstra, 2008, pp.4-9). روسیه در مجموع کوشیده است در زمینه های مختلف، وابستگی کشورهای مستقل مشترک المنافع را به خود تداوم بخشد. در این مورد می توان به وابستگی بسیاری از این کشورها در زمینه انرژی، امنیت و ارتباطات به روسیه اشاره کرد. مسکو سعی کرده است ضمن حفظ حضور پایدار در منطقه، به ویژه مناطق بحرانی و نیز مرزهای پیشین اتحاد شوروی، با مدیریت

Азия лишилась своей единой энергосистемы, 2009) کشورهای این

منطقه هم به مسئله بهره‌برداری از منابع انرژی توجه زیادی نشان داده‌اند (Aranaga and Writer, 2009) همه مسیرهای انتقال نفت و گاز و پالایشگاه‌های این منطقه، به گونه‌ای در کنترل روسیه است. روسیه می‌کوشد در کنار پیگیری اهداف خود در مورد مسائل مربوط به رژیم حقوقی دریای خزر، در قراردادهای بهره‌برداری از نفت حوزه خزر نیز مشارکت داشته باشد.

- **ترکمنستان**، روسیه برای حفظ رقابت رو به رشد غرب و چین در منطقه آسیای مرکزی، قیمت خرید انرژی از کشورهای ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان را افزایش داده است. این عمل با هدف جلوگیری از ساخت خط لوله ماورای خزر به وسیله آمریکا و اتحادیه اروپاست. روسیه با افزایش قیمت انرژی در کشورهای آسیای مرکزی، موجب بالا رفتن قیمت انرژی برای کشورهای مصرف‌کننده در اروپا با هدف جبران هزینه‌های اضافه‌شده توسط گازپروم شده است، روسیه به دنبال موقعیت قدرتمند در صادرات گاز در آسیای مرکزی و بهره‌برداری از انرژی ترکمنستان است (Blank, 2003, p.6). در میان کشورهای

بحران‌ها مانع گرایش بیشتر کشورهای این منطقه به سوی غرب شود.

۶- سیاست انرژی روسیه در آسیای مرکزی

روسیه پس از پایان دهه ۱۹۹۰ تلاش کرده است نفوذ و موقعیت برتر ژئوپلیتیکی خود را در آسیای مرکزی حفظ و این منطقه را با نام "خارج نزدیک" بخشی از حوزه منافع حیاتی خود تعریف کند (کولای، ۱۳۸۹). با برجسته شدن مسئله انرژی در این منطقه، در بازی‌های سیاسی و اقتصادی، قدرت‌های جهانی از جمله آمریکا، اتحادیه اروپا و چین، روسیه بیش از پیش به این منطقه توجه کرده‌اند. این واقعیت که سه کشور ساحلی دریای خزر (آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان) در خشکی محصور هستند، بر ملاحظات انرژی در منطقه به شدت تأثیرگذار است. این موضوع سبب برجسته شدن موضوع مسیرهای انتقال انرژی از این منطقه شده است (Aranaga and Writer, 2009). روسیه هم در پی حفظ نفوذ خود در انتقال انرژی از منطقه و بهره‌برداری از مزایای آن است. انرژی یکی از اهرم‌هایی است که روسیه برای حفظ نفوذ خود در آسیای مرکزی و دیگر کشورهای مستقل هم‌سود به کار گرفته است (www.SID.ir) (Центральная

روسیه افزایش یافته است. براساس قراردادی که در ۲۹ دسامبر ۲۰۰۵ بین ترکمنستان و روسیه امضا شد، قیمت هر هزار متر مکعب گاز، ۶۵ دلار تعیین شد و ترکمنستان کل ظرفیت صادراتی سه ماه اول خود را به گازپروم اختصاص داد (Mankoff, 2009, p.16). در مورد قیمت‌های انرژی در نیمه اول سال ۲۰۰۸، گازپروم قیمت‌های بالاتری (از ۱۰۰ دلار به ۱۳۰ دلار در هزار متر مکعب) برای گاز ترکمنستان پرداخت کرد. دو موافقتنامه مهم در سال ۲۰۰۸ در عشق آباد میان روسیه و ترکمنستان امضا شد که طرح جدیدی برای خرید گاز روسیه از ترکمنستان بود. یکی از این موافقتنامه‌ها که در نوع خود منحصر به فرد به شمار می‌رود، شرح و توضیح قیمت انرژی است که هدایت خرید گاز روسیه از ترکمنستان در طول ۲۵ سال نشان می‌دهد.

دومین موافقتنامه در مورد اجرای طرح‌هایی برای ایجاد شرکت‌های محلی و مشارکت در بازسازی خط لوله انتقال گاز ترکمنستان است. اما در آوریل ۲۰۰۹ با افزایش نرخ تورم در نتیجه بحران مالی جهانی، خرید عمده گاز از ترکمنستان برای روسیه امکان‌پذیر نبود. در آستانه برگزاری کنفرانس تأمین امنیت مسیر انرژی در سال ۲۰۰۹،

آسیای مرکزی، ترکمنستان اولویت اصلی را برای قدرت‌های بزرگ دارد (کولایی و عزیزی، ۱۳۸۹، صص ۱۲۵-۱۰۵). روسیه همچنان کنترل بیشتر نفت و گاز و خط لوله‌های ترکمنستان را در دست دارد. بدون گاز ترکمنستان روسیه نمی‌تواند تعهدهای لازم را برای صادرات گسترده گاز به کشورهای اروپایی انجام دهد. شرکت گازپروم در حدود ۸۰ درصد از مجموعه صادرات گاز ترکمنستان را سالانه در مرز به روسیه تحویل می‌دهد. روسیه، گاز ترکمنستان را برای مصرف داخلی یا برای فروش به کشورهای اروپایی و اوکراین می‌خرد. خرید و فروش انرژی بیش از دو دهه است که میان روسیه و ترکمنستان انجام می‌شود.

دیدار پوتین در سال ۲۰۰۷ از قزاقستان و ترکمنستان، تمایل کرملین را برای ایجاد یک کارتل گاز طبیعی در منطقه و حفظ انحصار خود در تأمین گاز اروپا آشکار کرد. علاوه بر این، با وجود منابع گسترده داخلی نفت و گاز، ممکن است روسیه به کمبود مصرف داخلی، دست کم در زمینه منابع گاز روبه‌رو شود. بسیاری از منابع روسیه در مناطق دورافتاده هستند و به سرمایه‌گذاری‌های سنگین نیاز دارند. به همین دلیل اهمیت گاز ترکمنستان برای

Archive of SID

نه تنها سبب کنترل صادرات گاز آسیای مرکزی است، بلکه با عبور خط لوله گاز از سراسر روسیه، پروژه خط لوله ماورای خزر توسط ایالات متحده و اروپا را به بن بست می‌رساند (Bhadrakumar, 2008, p.6). صادرات گاز ترکمنستان برای روسیه نه تنها به دلایل ژئوپلیتیک اهمیت دارد، بلکه ذخایر گاز این جمهوری صادرات بلندمدت روسیه را نیز تضمین می‌کند. این مسئله به شرکت گازپروم روسیه اجازه می‌دهد حوزه‌های پرهزینه دریایی خود در اقیانوس منجمد شمالی، اروپای شمالی و سیبری غربی را در آینده توسعه دهد. از دیگر نتایج این اقدام‌ها، افزایش تأثیر روسیه در منطقه، بازیابی موقعیت ویژه آن و استفاده از اختلاف‌های ایران و آمریکا در جهت تقویت منافع خود در منطقه است (Overland, 2009, p.12).

- **قزاقستان.** بی‌تردید روابط روسیه با قزاقستان یکی از اولویت‌های سیاست خارجی روسیه به شمار می‌رود. قزاقستان غنی‌ترین ذخایر سوخت فسیلی در منطقه آسیای مرکزی را دارد. با کشف معدن کاشگان، وجود در حدود ۲۰ میلیارد بشکه نفت در حوزه قزاقستان در دریای خزر برآورد شده است (Johnson, 2000). لوک اویل اولین شرکت نفتی روسیه است که بر روی

خط لوله ترکمنستان به روسیه دچار حریق شد. وزارت امور خارجه ترکمنستان دلیل این حادثه را تخلف کمپانی روسی «گازپروم اکسپورت» عنوان کرد که اداره خرید گاز طبیعی را بر عهده داشت. در پی این رخداد صادرات گاز ترکمنستان به روسیه متوقف شد (Miller, 2009, p.3). ولی در اواخر دسامبر ۲۰۰۹، گفت‌وگوهای مهمی در مورد از سرگیری صادرات گاز ترکمنستان به روسیه از ابتدای سال ۲۰۱۰ انجام شد. رهبران روسیه و ترکمنستان در دیدار با یکدیگر در مورد امضای موافقتنامه دوجانبه برای «توسعه راهبردی همکاری‌های انرژی» گفتگو کردند. سپس شرکت گازپروم و ترکمن‌گاز توافقنامه‌ای امضا کردند که براساس آن در سال ۲۰۱۰، ۳۰ میلیارد متر مکعب گاز از ترکمنستان به روسیه صادر شود. توافقنامه جدید همکاری و بازرگانی دو کشور، در چارچوب بهبود اقتصاد جهانی و افزایش تقاضای گاز طبیعی در اروپاست (Galperin, 2009, p.7).

توافق روسیه و ترکمنستان بیشترین کنترل را برای روسیه در منطقه آسیای مرکزی فراهم می‌کند. روسیه به شدت به دنبال حفظ و تقویت جایگاه خود به عنوان تأمین‌کننده اصلی گاز اروپاست. این مسئله

مسائل انرژی که در کانون روابط روسیه و قزاقستان قرار دارد، از دو جنبه سبب افزایش اهمیت این موضوع شده است. یکی حمل و نقل گاز قزاقستان از راه روسیه و دیگری توسعه همکاری دو کشور در سه میدان نفتی دریای خزر است. قزاقستان برای استقلال از روسیه، از خط لوله باکو-تفلیس-جیحان حمایت کرده و نیز آماده همکاری با چین (سرمایه‌گذاری مستقیم در بخش انرژی) و ایران است. حساسیت روسیه نسبت به پیوستن این کشور به خط لوله باکو-تفلیس-جیحان بیشتر است، زیرا روسیه نگران کاهش ظرفیت خط لوله کنسرسیوم خزر است که در امتداد میدان‌های نفتی قزاقستان در میان معدن تنگیز و بندر نووروسیوسک در ساحل دریای سیاه است. این مسیر که مهم‌ترین خروجی نفت از قزاقستان به روسیه است، می‌تواند ۷۰۰/۰۰۰ هزار بشکه نفت را در روز انتقال دهد.

روسیه مسیر اصلی صادراتی برای دسترسی آسان قزاقستان به بازارهای جهانی است. قزاقستان مهم‌ترین کشور هم از لحاظ اقتصادی و هم سیاسی، از جمله داشتن تأسیسات صنعتی و آزمایش سلاح‌های هسته‌ای و نیز بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت در

میدان‌های نفتی قزاقستان شروع به کار کرد و امروز یکی از مهم‌ترین شرکت‌هایی است که تولید نفت در قزاقستان را بر عهده دارد. همکاری‌های انرژی روسیه با قزاقستان به گونه‌ای پایدار در حال گسترش است. با افزایش تولید نفت توسط کنسرسیوم خط لوله دریای خزر^۳، از تنگیز در قزاقستان در پایانه صادرات در بندر نووروسیوسک (روسیه) نفت به دریای سیاه صادر می‌شود (Bara, 2007, p.128). شرکت گازپروم دو شرکت مشترک با قزاقستان تشکیل داده که یکی از آنها قزروس (شامل گازپروم و گازمونای گاز قزاقستان) است که برای تصفیه گاز استخراجی از منبع گاز قره‌چاگاناک و دیگری برای بازسازی خط لوله گاز قزاقستان ایجاد شده است. گازپروم همچنین می‌خواهد بخشی از سهام شرکت لوله‌گذاری قزاقستان را بخرد و از این راه در بازسازی خط لوله سنتی آسیای مرکزی به سوی غرب همکاری کند. این خط لوله گاز که در زمان شوروی ساخته شده و از قزاقستان عبور می‌کند، گاز ازبکستان و ترکمنستان را به روسیه و اوکراین انتقال می‌دهد و روسیه از بازسازی و توسعه ظرفیت انتقال آن سود می‌برد (Lillis, 2005, pp.3-4).

Archive of SID

(www.gasprom.com, 2008). روسیه برای اجرای طرح‌های توسعه انرژی با ازبکستان همکاری می‌کند. برای روسیه قراردادهای طولانی‌مدت برای خرید گاز از ازبکستان اهمیت زیادی دارد، زیرا کاهش حجم تولید گاز در این کشور، موجب آسیب به تعهدهای صادرات گاز به اروپا می‌شود. در ۵ فوریه ۲۰۰۷ روسیه و ازبکستان موافقتنامه‌ای را که شامل ۵ دوره اکتشاف مشترک و ۳۶ سال برنامه توسعه مشترک در جنوب غربی ازبکستان است، امضا کردند. شرکت گازپروم در پی دستیابی به سهم ۴۴ درصدی در خط لوله ازبکستان و انحصار «ازبک ترانس گاز»^۵ است. در سال ۲۰۰۷ روسیه و ازبکستان موافقتنامه‌ای را امضا کردند که براساس آن صادرات گاز از ترکمنستان به ازبکستان قزاقستان به روسیه صورت بگیرد. این خط لوله در سال ۲۰۱۲ با ظرفیت ۲/۶ تریلیون فوت مکعب تکمیل می‌شود که به وسیله این خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به روسیه از طریق ازبکستان صورت می‌گیرد (Smith, 2007, pp.17-20). شرکت لوک اوایل برای کمک مالی و توسعه طرح‌های گاز ازبکستان، در سال ۲۰۰۹ از گازپروم بانک ۱/۲۸ میلیارد

میان کشورهای آسیای مرکزی است (Stina, 2009, p.8). اتحادیه اروپا و قزاقستان در سال ۲۰۰۹ توافق‌نامه مشترکی را برای تامین انرژی و دسترسی به منابع نفت این کشور امضا کردند. قزاقستان به دنبال تعادل دقیق در میان بازارهای روسیه و کشورهای همسایه چین و اتحادیه اروپاست. براساس پیش‌بینی سازمان اطلاعات انرژی قزاقستان در دو دهه آینده هم بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده نفت خام در میان کشورهای آسیای مرکزی خواهد بود (www.eia.doe, 2009).

-ازبکستان. گاز طبیعی ازبکستان به دلیل صادرات گاز روسیه به اوکراین، موضوع مورد بحث شرکت‌های گازپروم و لوک اوایل با ازبکستان برای سرمایه‌گذاری بوده است (Smith, 2006, pp.7-9). شرکت گازپروم در سال ۲۰۰۲ با شرکت ازبکی نفت گاز برای همکاری تجاری در صنعت گاز و صادرات گاز ازبکستان تا سال ۲۰۱۲ موافقتنامه استراتژیکی را امضا کرد. آنها در سپتامبر ۲۰۰۵ هم موافقتنامه‌ای برای انتقال گاز ترکمنستان از خط لوله بخارا-اوراس^۴ از لوله‌های ازبکستان امضا کردند

الکتریکی، با سرمایه‌گذاری ۷۵ درصدی روسیه و ۲۵ درصدی تاجیکستان انجام شده است. سرمایه‌گذاری روسیه در تاجیکستان موجب نفوذ بیشتر روسیه در این کشور می‌شود. با توجه به ناتوانی تاجیکستان برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های نظامی و اقتصادی، روسیه همکاری نظامی با تاجیکستان را برای تضمین ثبات منطقه‌ای و جلوگیری از تهدیدهای خارجی و داخلی ضروری می‌داند. شرکت گازپروم در سال ۲۰۰۳ توافقنامه استراتژیکی را در صنعت گاز با تاجیکستان تا سال ۲۰۲۸ امضا کرد (Sahgal, 2004, p.2).

- **قرقیزستان**. روابط روسیه و قرقیزستان در مسائل مربوط به روابط دوجانبه، هماهنگی در داخل کشورهای مستقل هم‌سود، پیمان امنیت دسته‌جمعی و امور بین‌المللی است. قرقیزستان در میان کشورهای آسیای مرکزی بیشترین تلاش را برای جلب توجه روسیه از نظر کمک مالی انجام داده و روسیه را شریک استراتژیک خود معرفی کرده است. صادرات روسیه به قرقیزستان بیشتر نفت و ماشین‌آلات است. در ژانویه ۲۰۰۶ توافقنامه طولانی‌مدت ۲۵ ساله‌ای برای همکاری در صنعت گاز، اکتشاف، توسعه نفت و گاز بین گازپروم و

وام گرفت (Uzbekistan: Russian For Gas Development, 2009, p.1).

- **تاجیکستان**. تاجیکستان کم‌توسعه‌ترین کشورهای آسیای مرکزی به شمار می‌آید که منابع نفت و گاز ندارد. شرکت «گازپروم» چند سال است که به اکتشاف نفت و گاز در این کشور پرداخته است، ولی تاکنون نتوانسته وجود نفت و گاز را در این کشور تأیید کند. اگر هم ذخایری باشد، ناچیز است. با توجه به شرایط جغرافیایی تاجیکستان و کوهستانی بودن این کشور، امکان وجود ذخایر فراوان نفت و گاز در این کشور اندک است. با وجود همه این دشواری‌ها، روسیه بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در اقتصاد تاجیکستان است (Medrea, 2008, pp.4-5). روسیه و تاجیکستان در ۲۵-۲۶ اکتبر ۲۰۰۸ موافقتنامه‌ای را برای همکاری و مشارکت، با هدف افزایش حجم تجارت بین دو کشور امضا کردند. «بنیاد همکاری تاجیک- روسیه» برای اجرای ۱۷۴ موافقتنامه‌های دو کشور و سرمایه‌گذاری‌هایی که روسیه در تاجیکستان انجام می‌دهد، ایجاد شده ۶۰ درصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تاجیکستان را روسیه انجام داده است. یکی از مهم‌ترین طرح‌های مشترک روسیه با تاجیکستان در زمینه تولید انرژی

مرکزی قادر به تغییر این معادله است (Cohen, 2006, p.2).

۷- انرژی خزر: منافع قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

تبدیل دو کشور ساحلی دریای خزر به پنج کشور، سرآغاز شکل‌گیری رقابت‌های مهم منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. منطقه خزر از نظر استراتژیکی، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های نفتی در جهان است. انرژی خزر عامل مهمی در روابط کشورهای ساحلی و نشان‌دهنده اهمیت این منطقه و تعیین‌کننده فضای سیاسی است. هرچند سهم این منابع در میان منابع شناخته‌شده انرژی در جهان بیش از ۴ درصد نیست، ولی برای بسیاری از کشورهای غربی، به ویژه اروپا، کانونی برای کاهش آسیب‌پذیری ناشی از شوک‌های انسداد انتقال انرژی به شمار می‌آید. از نظر تاریخی در همه مناطق سرشار از نفت، همواره بین قدرت‌های بزرگ درگیری بوده است (Kaliyeva, 2004, p.2). رقابت بازیگران خارجی با تلاش کشورهای ساحلی برای کسب مزایای بیشتر از انتقال انرژی از این دریاچه در هم آمیخته است. نیازهای روزافزون جهان صنعتی به منابع انرژی سبب شد تا توجه جهانی به منابع انرژی دریای خزر از روند سریع و فزاینده‌ای برخوردار

قرقیزستان امضا شد. اما قرقیزستان انرژی مورد نیاز خود را از کشورهای همسایه و روسیه وارد می‌کند (Bruce, 2008, pp.2-3). روسیه در ژانویه ۲۰۰۲ پیشنهاد تأسیس «اتحادیه تولیدکنندگان اوراسیایی گاز» برای صادرات گاز آسیای مرکزی را ارائه کرد که روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان آن را تشکیل دادند. به دنبال این پیشنهاد رؤسای جمهور این کشورها در مارس ۲۰۰۲، بیانیه مشترکی در مورد همکاری در حوزه انرژی و حمایت از منافع کشورهای تولیدکننده گاز طبیعی امضا کردند (اسدی‌کیا، ۱۳۸۶، ص ۵۶).

روسیه برای جلوگیری از نفوذ غرب در حوزه انرژی آسیای مرکزی، همکاری‌های سیاسی و اقتصادی گوناگونی با کشورهای منطقه داشته است. این کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در این منطقه دارد و هرگونه تلاش برای برقراری ارتباط موفق اروپا با کشورهای آسیای مرکزی، در عمل به روسیه ختم می‌شود. شرکت‌های روسی در مسیرهای حمل و نقل انرژی آسیای مرکزی نقش انحصاری دارند. همکاری‌های انرژی کشورهای آسیای مرکزی با کشورهای منطقه و فرامنطقه می‌تواند تجارت انرژی منطقه را بر هم بزند، ولی روسیه با بالا بردن قیمت‌های انرژی در کشورهای آسیای

مانند چین و اتحادیه اروپا هم در تلاش برای نفوذ خود در این منطقه هستند (Султанов, 2007).

نیاز روبه رشد چین به انرژی و جایگاه آسیای مرکزی به عنوان تنها منطقه‌ای که می‌تواند انرژی خود را از راه زمینی عرضه کند، اهمیت زیادی یافته است (Gelb, 2006, p.15). امنیت انرژی اروپا، به دلیل کاهش تولید انرژی در کشورهای اروپایی و بی‌ثباتی در مناطق تولید انرژی به ویژه خاورمیانه و وابستگی به منابع انرژی روسیه، با چالش جدی روبه‌رو شده است. سیاست انرژی اروپا، تامین انرژی از آسیای مرکزی و قفقاز است که براساس آن، برنامه همکاری برای انتقال نفت و گاز به اروپا با عنوان اینوگیت^(۲)، مسئول سامان‌دهی امور انتقال منابع انرژی از حوزه دریای خزر شده است. هدف این برنامه ارائه مبانی حقوقی توسعه نفت و گاز و طرح‌های چندجانبه خط لوله در این منطقه است. برنامه دیگر تراسیکا^۳ است که اتحادیه اروپا در چارچوب آن، کمک‌های مالی با هدف راه‌اندازی مسیرهای حمل و نقل در محور آسیا، قفقاز و اروپا را ارائه می‌کند. منابع جدید انرژی برای تامین امنیت انرژی اتحادیه اروپا، نفت و گاز منطقه

شود. در میان این کشورها، روسیه و ایران جایگاه بالایی در میان صادرکنندگان نفت و گاز دارند.

در کانون رقابت برای افزایش منافع در منطقه خزر، می‌توان به روند گفت‌وگوهای دوجانبه و چندجانبه در میان کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده و کشورهایی که در مسیر حمل و نقل انرژی هستند، پرداخت. وجود منابع انرژی در این دریاچه، آن را به عرصه رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل کرده است (CA-NEWS, 2010). ولی این بازیگران در تلاش برای یافتن موقعیت مناسب در تعیین مسیر حمل و نقل انرژی هستند (Oliker and Szayna, 2003, pp.196-197). این توجه سبب شده تا موضوع «بازی بزرگ» در منطقه خزر که یادآور رقابت‌های استعماری روسیه و بریتانیا در قرن نوزدهم است، دوباره مطرح شود (کولایی، ۱۳۸۹). ایالات متحده به عنوان یکی از مهم‌ترین مصرف‌کنندگان نفت، در پی تنوع بخشیدن به منابع تامین انرژی است. منابع انرژی دریای خزر به دلیل کاهش وابستگی امریکا به خلیج فارس از اهمیت زیادی برخوردار است. هدف اصلی امریکا جلوگیری از حضور روسیه و ایران در صادرات انرژی منطقه است. قدرت‌های بزرگ دیگر

Archive of SID

دنبال تضمین عرضه پایدار انرژی در منطقه و حفظ موقعیت بین‌المللی خود بوده است (Baev, 2006, pp.12-16).

فرجام

در استراتژی انرژی روسیه، ضرورت تقویت جایگاه این کشور در بازار جهانی انرژی و به حداکثر رساندن صادرات انرژی برجسته شده و از دوره پوتین، روسیه همواره برای توسعه تکنولوژی انرژی و حمل و نقل بین‌المللی آن برای دستیابی به بازارهای اروپا و آسیا تلاش کرده است. انرژی موجب ایجاد نیروی لازم برای رشد اقتصادی روسیه و بازگشت ثبات پس از هرج و مرج سیاسی-اقتصادی دهه ۱۹۹۰ شده است. بخش انرژی مهم‌ترین بخش اقتصادی روسیه و کمک حیاتی برای درآمدهای صادراتی این کشور است. روسیه علاوه بر نقش‌آفرینی جدی در بازار انرژی، اقدام‌های گسترده‌ای را برای کنترل تولید و انتقال نفت و گاز در آسیای مرکزی و نیز کشورهای تازه صنعتی‌شده مانند هند و چین، که نیاز شدیدی به منابع انرژی دارند، آغاز کرده است.

عوامل ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی بر مسائل انتقال نفت و گاز تأثیر آشکاری گذاشته است. روسیه به وسیله شبکه حمل و نقل دوران شوروی، به دنبال

خزر است که بیشترین حجم آن در آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان قرار دارد (Winchester, 2007, pp.15-18).

ایران یکی از بازیگران مهم در منطقه دریای خزر است. اگر چه منابع نفت و گاز ایران در خلیج فارس متمرکز است، منطقه خزر برای این کشور دارای اهمیت بسیار است و این منطقه عمق استراتژیک ایران را تشکیل می‌دهد. ایران با بهره‌گیری از موقعیت ممتاز جغرافیایی خود، برای انتقال انرژی از آسیای مرکزی و قفقاز به بازارهای جهانی تلاش می‌کند. ایران بدون ایجاد نگرانی برای روسیه، در جهت تأمین منافع انحصاری آن در کنترل انتقال انرژی از مسیرهای جنوبی به سوی آب‌های آزاد جهان را هدف قرار داده است. روسیه هم یکی از بازیگران مهم منطقه خزر است. روابط نزدیک آن با کشورهای این منطقه وجه امتیاز آن است. علاوه بر عوامل فرهنگی و تاریخی، روسیه ظرفیت‌های نظامی انحصاری در میان کشورهای ساحلی دریای خزر دارد. سیاست این کشور در حوزه خزر بیشتر تحت تأثیر نگرش ژئوپلیتیکی حاکم بر روسیه است (Baev, 2005, pp.95, 110). روسیه برای افزایش نفوذ خود و بهبودی روابط با کشورهای منطقه تلاش می‌کند و همواره به

جهانی از طریق خطوط لوله‌های نفت و گاز روسیه،

- جلوگیری از همگرایی کشورهای آسیای مرکزی در ساختارهای غربی،
- استفاده از منابع اولیه و مواد خام کشورهای منطقه.

اما از سوی دیگر، روسیه نیز به برخی از این کشورها وابسته است. روسیه برای جبران کمبود تولید خود در منطقه سیبری غربی، به واردات گاز از آسیای مرکزی نیاز دارد. روسیه همچنان خروجی اصلی گاز و نفت این کشورهاست. اما با توجه به رقابت اتحادیه اروپا، ایالات متحده و چین با روسیه در مورد بهای انرژی آسیای مرکزی، این کشور تصمیم گرفته است با افزایش قیمت خرید خود، به مشتری بهتری برای آنها تبدیل شود. روسیه گاز آسیای مرکزی را برای مصرف داخلی خود، اوکراین و دیگر کشورهای هم سود خریداری می‌کند. بنابراین گاز خود را برای فروش به اروپا به قیمتی بسیار بالاتر از قیمت خرید گاز از آسیای مرکزی ارائه می‌کند. روسیه علاوه بر افزایش قیمت‌های خرید خود، به کشورهای حاشیه دریای خزر پیشنهاد کرده، میزان صادرات انرژی خود را به اروپا، از راه خطوط لوله روسیه افزایش دهند. روابط روسیه و

بازسازی نفوذ خود در آسیای مرکزی بوده است. عملکرد این کشور در بخش انرژی، ماهیت امنیتی- استراتژیکی داشته و شرکت‌های نفت و گاز روسیه مهم‌ترین عامل برای تبدیل این کشور به بازیگری عمده در بازارهای نفت و گاز بوده‌اند. روسیه با دیدگاه انحصارگرایانه‌ای که همواره به آسیای مرکزی داشته، این منطقه را بخشی از حوزه نفوذ سنتی خود دانسته، به طور سنتی و انحصاری مسیر اصلی صدور نفت و گاز این کشورها به سوی غرب را در اختیار داشته است. از نظر اقتصادی، انرژی مهم‌ترین عامل برای حضور روسیه در منطقه است. این کشور همواره به دنبال تضمین همکاری شرکت‌های خود در استخراج منابع انرژی در منطقه و انتقال نفت و گاز به بازارهای جهانی است. شرکت‌های روسی مانند گازپروم و ترانس نفت، سرمایه‌گذاری‌هایی را برای تولید نفت و گاز کشورهای منطقه و نیز خطوط لوله انتقال انرژی از مسیر روسیه به اروپا انجام داده‌اند.

انرژی عنصری مهم در شکل دادن به روابط روسیه و کشورهای آسیای مرکزی به شمار می‌آید. عوامل نقش‌آفرینی روسیه در منطقه در چند محور قابل بررسی است:

- حمل و نقل حامل‌های انرژی کشورهای آسیای مرکزی به بازارهای مصرف

Archive of SID

۲. اسدی کیا، بهناز (مرداد ۱۳۸۶)، "روسیه؛ ابرقدرت انرژی"، *مجموعه مقالات انرژی اوراسیایی* (شماره ۸)، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۳. کولایی، الهه (۱۳۸۹)، *بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۴. کولایی، الهه (زمستان و بهار ۱۳۸۶-۱۳۸۷)، "ژئوپلیتیک انتقال نفت از قفقاز"، *مطالعات اوراسیایی مرکزی*، سال اول، شماره یک.
۵. کولایی، الهه (۱۳۸۹)، *سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی*، تهران: سمت.
۶. کولایی، الهه و حمیدرضا عزیزی (پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، "نقش انتقال انرژی در روابط ترکمنستان با روسیه"، *مطالعات اوراسیایی مرکزی*، سال سوم، شماره ۷.
۷. کرمی، جهانگیر (۱۳۸۳)، *سیاست‌ها و اقدامات امنیتی روسیه در خارج نزدیک*، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS)، تهران، ابرار معاصر.
۸. واعظی، محمود (مهر ۱۳۸۶)، *تحلیل رفتار روسیه در قبال اقدامات ایالات متحده آمریکا*، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۹. واعظی، محمود (مرداد ۱۳۸۶)، *انرژی اوراسیایی*، پژوهشکده مطالعات استراتژیک.

منابع لاتین

10. Ahrari, M.E. with James Beal, (June 2004), "The New Great Game", *McNair*.
www.ndu.edu/Mcnair/Mcnair47/mo47toc.htm
11. Arbatov, Alexei, (June 26, 2009), On Russia's Foreign Policies, *The Yabloko*

کشورهای آسیای مرکزی نشان‌دهنده تلاش‌های پیگیر این کشور برای بهره‌گیری از ابزار انرژی، برای ارتقاء جایگاه خود در نظام بین‌الملل از راه حفظ ثبات و آرامش در این جمهوری‌ها و جلوگیری از توسعه نفوذ قدرت‌های دیگر بوده است.

پانوشته‌ها

۱. سخنرانی ولادیمیر پوتین در کنفرانس امنیتی مونیخ در فوریه ۲۰۰۷، با حمله شدید روسیه به سیاست خارجی آمریکا همراه بود. محکومیت آمریکا به دلیل «استفاده نامحدود از نیروی نظامی در مسایل بین‌المللی و عبور آمریکا از مرزهای روسیه»، محکومیت نگاه و رویکرد دولت جورج بوش به جهان بود. به عبارت دیگر سخنرانی پوتین نشان داد آمریکا نقشی فراتر از توان خود به عهده گرفته است و روسیه نمی‌خواهد آن را بپذیرد.
۲. INOGATE، برنامه همکاری اتحادیه اروپا با کشورهای پیشین اتحاد شوروی برای انتقال نفت و گاز این کشورها به اتحادیه اروپا، که طرح‌های متعددی در دست بررسی و اجرا دارد.

منابع فارسی

۱. امینی، آرمین (دی ۱۳۸۶)، *تحلیل اجلاس روسیه-اتحادیه اروپا (۲۵ اکتبر ۲۰۰۷)*، مرکز تحقیقات استراتژیک.

18. Belkin, Paul, (January 30, 2008), "The European Union's Energy Security Challenges", *CRS Report For Congress*, www.fas.org/sgp/crs/row/RL33636.pdf. October 5, 2009.
19. Boonstra, Jos, (22 October 2008), "Russia and Central Asia from Disinterest to Eager Leadership", *EU-Central Asia Monitoring (EUCAM) Project*, www.gees.org/documents/Documen-03204.pdf.
20. Cohen, Ariel, (December 6, 2006), "Security, Energy and Democracy: US Interests in Central Asia", *Eurasia Net*, www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eav120606a.shtml.
21. Dmitriev, Mikhail, (October – December 2006), "Russia's "Energy Key" Strategy", *Russia in Global Affairs*. Vol. 4, No 4.
22. Hill, Fiona, (25 March 2004), "Central Asia and the Caucasus: The Impact of the War on Terrorism", Global Policy Forum, *Eurasia Net*. www.globalpolicy.org/empire/intervention/2004/6325centralasia.htm.
23. Galperin, Elina, (18 June 2009), "Russian and Turkmenistan Mend their Relationship", *Foreign Policy*, http://centralasia.foreignpolicyblogs.com/2010/01/18/russia-and-turkmenistan-mend-their-re. Html.
24. Gelb, Bernard A., (July 2006), "Caspian Oil and Gas: Production and Prospects", *CRS Political Committee Statement*, www.eng.yabloko.ru/Press/2009/06263.html.
12. Blank, Stephen, (7/02/2003), "The Russia-Turkmenistan Gas Deal Gone Away", *The Central Asia-Caucasus Issue of the CACI-Analyst*. http://www.cacianalyst.org/newsite/?q=node/1279.
13. Barton, Barry, (2004), *Energy Security: Managing Risk in a Dynamic Legal and Regulatory Environment*, New York: Oxford University Press.
14. Bhadrakumar, M K, (30 July , 2008), "Russia Takes Control of Turkmen (World?) Gas", *Central Asia*. www.atimes.com/atimes/Central_Asia/JG30Ag01.html.
15. Bara, Zeyno, (May 2007), *EU Energy Security: Time to End Russian Leverage*, The Center for Strategic and International Studies and the Massachusetts Institute of Technology.
16. Baev, Pavel K, (19 November 2006), "The Caspian Direction in Putin's Energy Super-Power Strategy for Russia", *International Peace Research Institute*, Oslo (PRIO).
17. Baev, Pavel K, (December 2005), "Russia's Policies in the Caucasus and the Caspian Area", *European Security*, Vol. 10, No. 2, www.informaworld.com/index/783178856.pdf.

- Relations and Security* Network (ISN),
www.isn.ethz.ch/isn/Current-Affairs/Security.../Detail/?
33. Morales, Javier, (25/9/2009), "Russia's New National Security Strategy" Towards a 'Medvedev Doctrine'?" *Area: Security & Defense*, pp.19- 22. www.realinstitutoelcano.org/.../ARI135-2009_Morales_Russia_New_National_Security_Strategy_Medvedev.pdf?.
34. Mankoff, Jeffrey, (2008/4/18), "Vladimir Putin and the Re-Emergence of Russian Foreign Policy", *Institute of Government and Politics*. www.ut.ee/ABVKeskus/publ/2008/Peets.pdf.
35. Mankoff, Jeffrey, (February 2009), Eurasian Energy Security, *Council Special Report*, No. 43, www.cfr.org/content/publications/attachments/Eurasia_CSR43.pdf.
36. Miller, Leland R., (28 August, 2009), "How Central Asia's Became the Biggest Prize in Europe's Energy Wars", *FB: Foreign Policy*. http://www.foreignpolicy.com/articles/2009/08/28/courting_turkmenistan.
37. Smith, Keith C., (January 2006), "Security Implications of Russian Energy Policies", CEPSp(Centre for European Policy Studies), Vol. 4, No. 41. <http://www.ciaonet.org/pbei/ceps/cep038/cep038.pdf> PoEPS Policy Brief.
- Report for Congress*, [Http://italy.usembassy.gov/pdf/other/RS21190.pdf](http://italy.usembassy.gov/pdf/other/RS21190.pdf)
25. International Energy Agency (IEA) World Energy Report, (November 7, 2008), *Energy Bulletin*, <http://www.energybulletin.net/hode/47128>.
26. Igor, Tomberg, (2006), "The North European Gas Pipeline Project in the Geopolitical Context", *International Affairs*, <http://dlib.eastview.com/browse/doc/19677559>.
27. Johnson, David, (27 August 2000), " Politics and Pipeline", *Info Please*, www.infoplease.com/spot/caspianoil1.html.
28. Kupchinsky, Roman, (8 October 2009), "Russian Energy Strategy – the Domestic Political Factor," *Eurasia Daily Monitor*, Vol. 6, http://www.jamestown.org/single/?no_cache=1&tx_ttnews%5Btt_news%5D=35598. 8 October 2009.
29. Kaliyeva, Dinara, (May 2004), "The Geopolitical Situation in the Caspian Region", *UNISCI Discussion Papers*, <http://revistas.ucm.es/cps/16962206/articulos/UNIS0404130011A.PDF>.
30. Legvold, Robert, (July 2008), Russia's Strategic Vision and the Role of Energy, *NBR Analysis*, Vol. 19, No.2.
31. <http://www.nbr.org/publications/analysis/pdf/vol19No2.pdf>.
32. Lillis, Joanna, (5 May 2005), "Kazakhstan's Russia Energy Break", *www.SID. International*

- Research*,
http://www.rand.org/pubs/monograph_report_s/MR1598.
45. Overland, Indra, ((3 March 2009)), "Natural Gas and Russia-Turkmenistan Relations", *Russian Analytical Digest*, No.56/09. se2.isn.ch/serviceengine/Files/.../Russian_Analytical_Digest_56.pdf.
46. Pannier, Bruce, (10/20/08), "Gazprom Works to Advance Russia Interests in Central Asia", *Eurasia Net*,
<http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/pp102008.shtml>.
47. Pascual, Carlos, (January 2008), "The Geopolitics of Energy: From Security to Survival", *Brookings Institution*, www.brookings.edu/papers/2008/01_energy_pascual.aspx.
48. Policy Statement Energy Security, (May 2007), *International Chamber of Commerce*, www.iccwbo.org/.../Policy%20Statement%20Energy%20Security.pdf.
49. Rutland, Peter, (June 2008), "Russia as an Energy Superpower", *New Political Economy*, Vol. 13, No. 2. <http://prutland.web.wesleyan.edu/Documents/Energy%20superpower.pdf>.
50. Stringer, Kevin, D. (2008), "Applying a Portfolio Approach", *Baltic Security and Defence Review*, Vol. 10.
38. Stina, Torjesen, (3 March 2009), "Russia and Kazakhstan: A Special Relationship", *Russian Analytical Digest*, 56/09, www.fni.no/russcasp/RAD-56.pdf.
39. Mastepanov, Alexey M, (August 28 2003), "Energy Strategy of the Russian Federation to the Year 2020",
http://europeaenergy/Russia/presentations/doc/energystrategy2020_en.pdfSahgal, Arun, (November 8, 2004),"Growing Russian Influence in Central Asia", *Eurasia Net*, <http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/pp110804.shtml>.
40. Torbakov, Igor, (27 July 2000)," Putin's Russia Defines Its Foreign", *Eurasia Net*, www.eurasianet.org/departments/insight/.../ea-v072800.shtml.
41. The Kremlin Foreign Policy, President Medvedev Approved, (16 Jul, 2008), *The Foreign Policy Concept of the Russian Federation*. www.eng.kremlin.ru/text/docs/2008/07/204750.shtml.
42. Medrea, Sergey, (December 2008), "Russian-Tajikistan Relations: Policies of the Strong and the Weak", *Central Asia- Caucasus Institute (CACI)*. <http://www.cacianalyst.org/?q=node/4985>.
43. Oliker, Olga and Thomas S. Szayna, (April 2003), Faultlines of Conflict in Central Asia and the South Caucasus, *Support RAND*

58. www.eia.doe.gov/emeu/cabs/Kazakhstan/Oil.html. February 2009, December 26, 2009.
59. www.energyland.info/news-show-tek-electro-37003 (Accessed on: 19 May 2010)
51. Shen, Simon Xu Hui, (2011), "Qualitative Energy Diplomacy in Central Asia: A Comparative Analysis of the Policies of the United States, Russia, and China", USA: **Brookings**.
52. Uzbekistan: Russian for Gas Development", (February 12, 2009), **Eurasia Net**, <http://www.eurasianet.org/departments/news/articles/eav021209d.shtml>.
53. Walthe, (12/September 2006), Arne Global Energy Security, *International Energy Forum (IEF)*, www2.iefs.org.sa/Speeches/Pages/GlobalEnergySecurityNamulitPolarergyworld.aspx.
54. WinchesterI, Robert, (May 2007), "European Energy Security: Wrestling The Caspian Natural Gas", **Usawc Program Research Paper (PRP)**, <http://www.dtic.mil/cgibin/GetTRDoc?AD=ADA471533&Location=U2&doc=GetTRDoc.pdf>.
55. Woo R., (Spring 2002), "Russian National Interests and Foreign Policy," **Pacific Focus**, Vol. 17, No.1.
56. Woehrel, Steven, (2 September, 2009), "Russian Energy Policy Toward Neighboring Countries", **Congressional Research Service (CRS)**, www.fas.org/sgp/crs/row/RL34261.pdf.
57. www.gazprom.com/eng/articles/article21712.shtml. 2008/06/29, November 30, 2009.